

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی و مرجع قانونی آن

(۲)

دفاتر اسناد رسمی در مورد ناقص بودن اسناد سجلی :
ماده ه قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ صراحت دارد بر اینکه :

« در مواردیکه ابوین طفل یا یکی از آنها غیر معلوم باشد درستونهای مربوطه عبارت (نام معلوم) نوشته خواهد شد و اگر بعد ها نسب طفل بواسطه اقرار مرد یا زنی بر حسب سند رسمی یا بواسطه دادنامه محرز گردد اداره ثبت احوال اقرار مربوطه یا مفاد دادنامه را در حاشیه دفاتر مربوطه قید خواهد کرد ... »

ماده ۲۲ آئین نامه ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ نیز حاکی است :
« اگر پدر یا مادر طفل نام معلوم باشد پس از آنکه وسیله اقرارنامه رسمی یا دادنامه نسبت طفل بکسی ثابت شود مراتب در حاشیه کلیه مستندات ثبت ولادت توضیح و المثنی شناسنامه بدون اینکه آثاری از نام معلوم بودن نام پدر یا مادر آن منعکس باشد صادر می گردد » .

که بادر نظر گرفتن قواعد و ترتیبات این دو ماده معلوم می شود که قانون ثبت احوال موقعیت بخصوصی را در احوال افراد ایرانی پیش بینی کرده است. باین معنی که امکان خواهد داشت سند ولادت شخصی بعلمت عدم اطلاع اظهار کننده یا اعلام کننده از لحاظ مندرجات سند او در مشخصات و خصوصیات احوال پدر یا مادرش یا یکی از آنها نام معلوم ثبت شود. که بعداً نسب آن شخص روشن و معین شود.

در این صورت بدون مراجعه بدادگاه شهرستان و طرح دعوا بطرفیت پدر یا مادر مورد ادعا و نیز تشریفات دادرسی که ممکن است خاتمه آن مدتها بطول انجامد و چه بسا مواجه باتشریفات و جریانات غیر قابل اجرائی نیز گردد.

هریک از ابوین صاحب سند ناقص می توانند منفرداً یا مستقلاً با تنظیم و تحصیل اقرارنامه رسمی در یکی از دفاتر اسناد رسمی انتساب چنان شخصی را بخودش بدین وسیله احراز نموده . و با تسلیم آن بداره ثبت احوال محل تنظیم سند ناقص تقاضای تصحیح و تکمیل سند سجلی فرزند خودشان را خواستار شوند.

در این صورت امکان خواهد داشت چنین سندی در تمامی مشخصات سجلی ناقص باشد یا در جزئی از مشخصات پدر و مادر آن. برای مثال :

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

سند سجلی تنظیم شده در مشخصات پدر و مادر صاحب سند بدون ذکر از نام پدر و نام مادر در شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ثبت شده و در ستونهای مربوطه یا کلمه نامعلوم ثبت شده و یا با خط منفی نامعلوم بودن پدر و مادر صاحب سند انعکاس یافته باشد. در چنین وضعی در صورت معلوم بودن پدر و مادر صاحب سند اقرارنامه تنظیم شده شامل تمامی مشخصات پدر و مادر صاحب سند خواهد بود.

و اگر در تنظیم سند سجلی مورد بحث فقط بذکر و ثبت اسم شخصی ابوبن صاحب سند اکتفا شده و شماره شناسنامه و محل صدور آن و نام خانوادگی آنان ثبت نگردیده اقرارنامه که بدان اشاره شد شامل قسمتهای نانویس و یا باصطلاح دیگر شامل نام خانوادگی - شماره شناسنامه - و محل صدور آن خواهد بود.

فرقی که این نوع تصحیح با انواع دیگر دارد این است که :
اولاً در این مورد تشریفات تکمیل و اصلاح سند فوق العاده سهل و ساده است.
تنظیم اقرارنامه چه منفرداً و چه مجتمعاً امریست که انجام آن در هر نقطه امکان عملی خواهد داشت.

اشکالات مراجعه بدادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه منتفی گردیده است.
بعلاوه باقواعد و ترتیبات قبلی یعنی موارد نوع اول و دوم و سوم تصحیح اسناد سجلی هر نوع تغییری که صورت بگیرد باقید توضیح و تشریح تصحیح در صفحه سفید شناسنامه همراه است.

و حال آنکه در تصحیح مورد بحث ما مطابق حکم ماده ۲۲ قانون و ماده ۲۲ آئین نامه آن که مقدمتاً درج گردید به هیچ وجه آثاری از کیفیت ناقص بودن سند و علل و دلایل و اسناد تغییر یا تکمیل آن در محتویات شناسنامه که در آن صادر و تسلیم صاحب سند میشود نوشته نخواهد شد. و صاحب سند در انظار اشخاص و مراجع قانونی بدین وسیله غیر قابل تردید و مخدوش خواهد بود.

اتخاذ این ترتیب در مقررات ثبت احوال ایران قطع نظر از فلسفه بسیار عالی و پسندیده اجتماعی آن جانشین مقررات بعضی از قوانین ثبت احوال کشورهای اروپائی من جمله فرانسه و انگلستان که برای افراد کشور خود که از لحاظ مشخصات پدر و مادرشان نامعلوم می باشند شناسنامه های بخصوصی را قائل شده اند که در چنین نمونه هائی اسامی یا سایر مشخصات پدر و مادر صاحب شناسنامه بطور کلی منظور نگردیده و فقط اکتفا به مشخصات خود صاحب شناسنامه در نمونه های مزبور شده است که با ملاحظه چنین اسنادی توجه شخص معطوف به نامعلوم و غیر مشخص بودن پدر و مادر صاحب شناسنامه نگردد.
با این توضیح شایسته است که روشن نمائیم که شرایط قانونی استفاده از این نوع تصحیح چیست؟ و چه مدارک و اسنادی برای استفاده از آن ضرورت قانونی و اداری خواهد داشت؟

اینک شرح و توضیح آن :

الف - سند سجلی از لحاظ مشخصات ابوبن صاحب سند یا یکی از آنها تماماً یا در قسمتی

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

از لحاظ اسم شخصی - نام خانوادگی - شماره شناسنامه - محل صدور شناسنامه ناقص و ناتمام باشد.

ب - پدر و مادر صاحب سند منفرداً یا متفقاً با شناسنامه خود و شناسنامه که از لحاظ مشخصات ابوینی ناقص است در دفتر اسناد رسمی اقرارنامه رسمی تنظیم نمایند.

ج - اقرارنامه متضمن تمام مشخصات ابوین صاحب سند و شناسنامه ناقص باشد. با این توضیح که همه مشخصات سجلی هر دو شناسنامه از لحاظ اسم شخصی و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور و غیره باشد که بعداً ابهام و اشکالی ایجاد نماید.

د - اقرارنامه اصلاً یا رونوشت مصدق آن ضمن تقاضای کتبی تسلیم اداره تنظیم کننده سند ناقص از طرف یکی از ابوین صاحب سند یا هر دو باشد.

ه - مفاد چنین اقرارنامه فقط شامل تکمیل سند سجلی از لحاظ مشخصات ابوین صاحبان اسناد سجلی ناقص می شود و بسایر قسمتهای شناسنامه ابداً تسری نخواهد داشت.

با این وصف اشکالی که از نظر قانونی دور افتاده این است که در صورت عدم اهلیت یکی از ابوین صاحب سند ناقص یا یکی از آنها که احتیاج به تنظیم چنین اقرارنامه در دفتر اسناد رسمی دارند و نرسیدن آنان بسن هیجده سال تمام که قانوناً ملازمه با تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی است چه تکلیفی خواهند داشت ؟

در چه وضع قانونی قرار می گیرند ؟

دستورات ثبت احوال به چنین وضعی تعیین تکلیف نکرده و آیا همین طوریکه تبصره ۲ ماده سوم آئین نامه ثبت احوال مقرر داشته (پدر و مادر طفل قبل از رسیدن به هیجده سال تمام ازدواج نموده اند در مورد ثبت ولادت خود می توانند اظهار کننده واقع شوند) در صورت پیش آمد چنین وضعی می توانند به تبع مقررات مزبور اقرار و اعتراف به نسب فرزند خود نمایند ؟

در نتیجه سندی را که از نظر ماهیت می توانند آنرا تنظیم کنند با تنظیم اقرارنامه نواقص آنرا مرتفع نمایند.

دفاتر اسناد رسمی به تبع مقررات مزبور مأذون به تنظیم اقرارنامه در صورت نداشتن اهلیت طرفین وقادر باسئنا خواهند بود. و یا اینکه باید در چنین وضعی بفکر راه حل قانونی و قضائی دیگری باید بود ؟

اگر چنین پدر و مادری برای استفاده از تحصیل دادنامه لازم مندرجه در ماده ه قانون ثبت احوال هدایت شوند. باز هم اشکال عدم اهلیت برای طرح چنین دعوائی پیش پای آنها افتاده است.

به عقیده اینجانب توسل چنین اشخاصی بولی قانونی خودشان و یا قیم آنان نیز هم از نظر قانونی وهم از لحاظ رعایت اصول و ماهیت عمل صحیح نخواهد بود. زیرا قانون اقرار شخص صاحب نسب را مورد توجه قراردادده و نه نماینده قانونی او را.

ثانیاً عمل ولی خاص یا وصی منصوب و بالاخره قیم قانونی همین طوریکه

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

توضیحش گذشت از لحاظ ملازمه که انجام این امر و فطرت و ضرورت طبیعی آن اقتضا می نماید صحیح نخواهد بود.

وقوع و پیدایش چنین حالاتی در احوال افراد ایرانی با مقررات ازدواج فعلی نادر نیست زیرا که بلوغ ازدواج برای دختران در پانزده سال تمام مقرر است و از طرف دیگر قواعد استفاده از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و معافیت از شرط سن ازدواج چنین مواردی را بوجود می آورد و احتمال پیش آمد چنین اوضاعی در احوال جامعه ما مقدور است که با توجه بقواعد و مقررات فعلی فقط مرور زمان و بلوغ چنین اشخاص است که می تواند مشکلات تقاضای صاحبان اسناد سجلی ناقص را بشرح فوق مرتفع نماید.

جا دارد که با تجدید نظر و اصلاح این قسمت از مقررات ثبت احوال ابهام و سکوت قانونی را برطرف و راه و چاره قانونی پیش پای مبتلایان آن قرارداد.

ه - کمیسیون مخصوص در مواردیکه تمام یا قسمتی از مندرجات اسناد از بین برود :

در قانون ثبت احوال و سایر قوانین راجعه بان از وجود چنین مرجعی وصفی بمیان نیامده و تنها ماده ۲۲ آئین نامه ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ است که میگوید :

« در موقعی که اسناد یا دفاتر ثبت احوال کلاً یا بعضاً از بین برود کمیسیونی با حضور رئیس اداره آمار و ثبت احوال و نماینده وزارت کشور و نماینده دادسرا تشکیل و بامر اوجه بسایر اسناد و دفاتر و برگها و پیشینه های موجوده اسناد جدیدی بجای اسناد از بین رفته تنظیم و بامضای کمیسیون میرسد. در صورتیکه صاحبان اسناد جدید اعتراضی داشته باشند می توانند بدادگاه صالحه رجوع و درخواست رسیدگی نمایند » .

بدین جهت امکان تشکیل و عمل چنین کمیسیونی را مرجع قانونی دیگری در تنظیم اسناد تازه بجای اسناد از بین رفته باید شناخت. و در هر موقعی که ضرورت اداری اقتضا نماید. هر رئیس اداره ثبت احوال می تواند تشکیل چنین کمیسیونی را از ادارات ذی ربط تقاضا نماید. با شرایط ذیل :

الف - سند یا اسناد سجلی کلاً یا بعضاً از بین رفته باشد.

ب - از لحاظ مندرجات اسناد مفقود اسناد و دفاتر و برگها و سوابقی باشد که حاکی از وجود سند سجلی مفقود یا قسمتی از مندرجات آن باشد.

ج - اعضای کمیسیون رئیس اداره ثبت احوال - فرماندار یا بخشدار - دادستان یا نمایندگان آنها حاضر باشند.

د - سند تنظیم شده بامضاء اعضاء کمیسیون برسد.

ه - سند تنظیم شده و مندرجات آن مستند با اسناد و سوابق سجلی باشد لا غیر.

بدین ترتیب وقتی سند سجلی تازه بجای اسناد از بین رفته با شرایط و قواعد

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

مذکور تنظیم گردید. چنین سندی از نظر قانونی در ردیف اعتبار سایر اسناد سجلی قرار میگیرد. و هر استفاده که قانوناً از سایر اسناد سجلی دارندگان آنها یا اداره ثبت احوال و سایر مراجع قانونی می تواند داشته باشند. مجاز خواهند بود از مندرجات آنها نیز بدون قید و شرط استفاده نمایند.

با این تفاوت که صاحب سند چون دخالتی در تنظیم سند جدید خود ندارد و امکان دارد منافع و علائق قانونی وی در اثر تحول حاصله و تنظیم اسناد جدید دستخوش فراموشی یا عدم توجه واقع بشود. حق اعتراض او بمندرجات آن محفوظ خواهد بود. وی تواند اعتراض خود را در دادگاه شهرستان محل تنظیم سند طرح و تقاضای رسیدگی بدلائل و اظهارات خود به نماید.

اشکال قضائی

بطوریکه توضیح داده شد تشکیل این کمیسیون در قانون ثبت احوال عنوان و منشأ قانونی ندارد. بلکه یکی از ابداعات آئین نامه آن است که بعد از تنظیم شدن همچو اسنادی بر حسب اجازه حاصله از ماده ۲۲ مورد بحث مندرجات آن قابل اعتراض و رسیدگی است.

در چنین مواردی دادگاه شهرستان خواهد توانست در صورت وارد بودن دلایل و اظهارات معترض حکم بر اصلاح قسمت مورد اعتراض بدهد.

حال فرض می کنیم چنین سندی مشمول ماده ۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ و ماده ۹۹۹ قانون مدنی باشد (یعنی سندی که از طرف کمیسیون مورد بحث با احراز سایر شرایط مقرر تنظیم شده مورد اعتراض صاحب آن واقع شود که آن سند اعلامش بحوزه ثبت احوال در موعد مقرر قانونی صورت بگیرد) آیا باز هم دادگاهها می توانند حکم بر تغییر و تصحیح مطالب چنین اسنادی صادر نمایند؟ و در صورت صدور چنین دادنامه از نظر عدم رعایت قواعد ماده ۹۹۹ قانون مدنی تخلف قضائی محسوب نمی شود؟

بنظر این جانب چنین موردی از لحاظ قضائی و رعایت آئین دادرسی مدنی شایان توجه و عنایت بیشتری خواهد بود که باید بخوبی مورد دقت و امعان نظر دادگاه صادر کننده حکم تصحیح واقع بشود.

نکته دیگری که از نظر قضائی در مقررات ماده ۲۲ مورد بحث ما اظهار وجود می نماید امکان قانونی اعتراض صاحب سند است که به عقیده این جانب تصریح به اعطاء چنین حقی حشو زائد بوده زیرا تمامی اسناد سجلی همین طوریکه در مقدمه این بحث بیان شده. در صورت وجود دلایل و مدارکی که دلالت بوقوع اشتباه یا اختلاف نماید قابل اعتراض و رسیدگی است و استثناء آن بغیر از شمول سند بمقررات ماده ۹۹۹ قانون مدنی و تاریخ تنظیم اسناد وجود ندارد.

با این وصف معلوم نیست که اعطاء حق اعتراض به صاحبان چنین اسنادی در مقررات ماده ۲۲ آئین نامه ثبت احوال روی چه اصل و ضرورت منطقی بوده است؟

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

مگر اینکه در این قبیل اسناد حق اعتراض و رسیدگی را شامل اسنادی نیز تلقی نمائیم که اعتبار آنها از قاعده ماده ۹۹۹ قانون مدنی نیز الهام میگیرد و حال آنکه چنین نظری هم که خارج از حدود اختیارات تدوین کنندگان آئین نامه ثبت احوال بوده بی نهایت بعید بنظر می رسد.

اما کمیسیون مندرجه در ماده ۲۲ مورد بحث وظیفه اش منحصر ب موارد از بین رفتن اسناد سجلی جزاً و کلاً نبوده بلکه ماده ۱۷ آئین نامه ثبت احوال وظیفه دیگری نیز برای آن قائل شده است.

بدین معنی که وقتی سندی در اثر اشتباه یا فراموشی یا بهر علت دیگری با وجود کامل بودن سایر تشریفات آن از طرف (نماینده ثبت احوال تنظیم کننده سند) امضاء نشده باشد با تهیه و تنظیم صورت جلسه لازمی آنرا امضاء نمودن صورت جلسه و ضمیمه کردن آن بسند مزبور سند سجلی ناقص را اعتبار قانونی می دهند.

۶ - تصویب نامه هیئت وزیران در موارد تغییر تابعیت.

در مواعیکه اتباع ایرانی بر حسب اجازه حاصله از ماده ۹۹۸ قانون مدنی تابعیت ایرانی خود را ترك مینمایند و دیگر قانوناً موردی برای بقا و اسناد سجلی آنان در وضع سابق نمی ماند. بایستی پس از آنکه تصویب نامه هیئت وزیران از طریق وزارت امور خارجه ب اداره ثبت احوال محل تنظیم سند سجلی شخصی که ترك تابعیت نموده ابلاغ گردید با ابطال شناسنامه که از آن سند در دست است مراتب در ظهر نسخین اسناد سجلی قید گردد.

و هکذا در موارد معکوس آن که تابعیت خارجی چنین شخصی بجهتی از جهات قانونی لغو و به تابعیت اولی خود بر میگردد. که با اجرای تصویب نامه مزبور اعتبار چنین سندی برای صدور شناسنامه آن و هکذا برای وجود تابعیت ایرانی اوساقت میشود. اگر چه برای اجرای همچو امری در قانون ثبت احوال و آئین نامه آن حکم قانونی و دستور نظامنامه وجود ندارد. مع هذا نقل اجرای مقررات ماده ۹۸۸ قانون مدنی و اینکه سند سجلی که از آن شناسنامه صادر میشود مخصوص اتباع ایرانی است. طبعاً اجرای چنین عملی ضرورت قانونی خواهد داشت.

۷ - فرمان مخصوص در موارد تغییر نام خانوادگی.

شاید محتاج به توضیح نباشد که انتخاب و تعیین نام خانوادگی برای هر فرد ایرانی مطابق صریح ماده ۳۸ قانون اصلاح ثبت احوال و ماده ۹۹۷ قانون مدنی یک امر الزامی و اجتناب ناپذیر است. و امکان ندارد شخصی دارای سند سجلی و شناسنامه باشد. ولیکن فاقد نام خانوادگی باشد.

از آنجائیکه نام خانوادگی در اثر تغییرات و تحولات احوال اشخاص و در اثر پیشرفت علمی و موقعیت اجتماعی اشخاص طبعاً مواجه با یک رشته تغییر و تبدیل است. وقوانین ثبت احوال هم تحت شرایط و قواعد و قیودی تغییر آن را مقدور دانسته. بنابراین تغییر نام خانوادگی و مرجع تغییر و تبدیل آن یکی دیگر از مراجع قانونی تغییر مطالب

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

اسناد سجلی بشمار میرود. و ماده ۴۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ چنین مقرر نموده است :

« تغییر نام خانوادگی باید منحصرأ بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باشد هیچ کس حق ندارد بدون اجازه قبلی در نام خانوادگی خود هیچ گونه تغییری بدهد. درخواست کنندگان باید دلایل خود را بوزارت کشور اظهار کرده پس از بررسی بوسیله نخست وزیری بعرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه برسد. »

ماده ۹۸ آئین نامه قانون مزبور می گوید :

« کسانی که میخواهند نام خانوادگی خود را تغییر دهند باید دلایل خود را در درخواست چاپی (نمونه ۲۵ پ) ذکر و بفرمانداری و یا باداره آمار محل اقامت خود تسلیم نمایند. هرگاه درخواست نامه بفرمانداری داده شده باشد فرمانداری آنرا باداره آمار محل فرستاده و اداره نامبرده مکلف است چگونگی را با اظهار نظر بفرمانداری و اداره کل آمار و ثبت احوال گزارش دهد. فرمانداری گزارش اداره آمار را بوزارت کشوری فرستد تامورد بررسی قرارگیرد. در صورتیکه درخواست نامه مستقیماً باداره آمار محل تسلیم شده باشد اداره نامبرده باید مراتب را با اظهار نظر باداره کل آمار و ثبت احوال گزارش دهد تا طبق مقررات ماده ۴۴ قانون ثبت احوال اقدام شود.

لذا با در نظر گرفتن قواعد فوق.

الف - داشتن نام خانوادگی برای هر فرد ایرانی از نظر قانون مدنی و قانون ثبت احوال یک امر الزامی واجتناب ناپذیر است :

ب - هیچ کس بعد از ثبت آن در دفاتر سجلی نمی تواند هیچ گونه تغییری در آن بدهد.

ج - تقاضای تغییر نام خانوادگی باید بفرماندار یا اداره ثبت احوال محل اقامت تسلیم شود.

د - تقاضا باید متضمن دلایل و موجبات تغییر و روی اوراق مخصوص باشد (که فعلاً در عمل استفاده از اوراق مخصوص از بین رفته است).

ه - تغییر نام خانوادگی را صدور و ابلاغ فرمان مخصوص ضرورت قانونی خواهد داشت.

و - مطابق دستور حاصله از ماده ۹۹ آئین نامه ثبت احوال نام خانوادگی جدید در متن صفحه مخصوص خلاصه ولادت و در صفحه سفید برگ شناسنامه نوشته میشود. معهذا باوجود محصور و مقید بودن تغییر نام خانوادگی بصدور فرمان مخصوص

نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

قانون مدنی حالت و مرجع تغییر دیگر بنام خانوادگی قائل شده و قسمت اول ماده ۹۹۸ قانون مزبور میگوید :

« هر کس که اسم نام خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد ... »

چون انتخاب و تعیین نام خانوادگی و ثبت آن در دفاتر و اسناد سجلی ملازمه با بلامعارض بودن نام خانوادگی انتخاب شده دارد لذا امکان عملی دارد که در موقع انتخاب و ثبت آن و یا در موارد تغییر نام خانوادگی مورد تعدی و تجاوز اشخاص هم واقع شود که بالنتیجه موجب تضییع حقوق دارنده حق تقدم نام خانوادگی گردد.

و برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی اشخاص است که در صورت وقوع چنین عملی حق مراجعه بدادگاه شهرستان محل تنظیم سند بدارندگان حق تقدم نام خانوادگی اعطاء شده که در صورت احراز غصب و تحصیل دادنامه قطعی مراتب تغییر در مستندات اسناد سجلی غاصب ثبت می شود و بدیهی است که دادنامه که با چنین شرایط و اوضاعی صادر و اجراء میشود مغایر با مقررات ماده ۴۲ قانون ثبت احوال نخواهد بود. که مؤکداً تغییر نام خانوادگی و اجازه آنرا از اختیارات شخص اول کشور قرار داده. زیرا اختیارات مزبور ناظر بموارد تغییر است که مبتنی بر رضایت و تمایل اشخاص است و حال آنکه مقررات ماده ۹۹۸ شامل و ناظر بمواقع غصب و الزام غاصب به ترك نام خانوادگی غصب شده میباشد.

۸ - ثبت تحولات احوال سند از طرف اداره ثبت احوال محل تنظیم سند. سندی که از طرف نماینده ثبت احوال یا مرجع صالح دیگری از قبیل نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور تنظیم می شود طبعاً بعد از تنظیم و صورت قانونی پیدا کردن دارای تحولاتی میشود و حالات گوناگونی از نظر تغییر احوال صاحب سند پیدا می نماید. از قبیل ازدواج - طلاق - ولادت - فوت و غیره که انعکاس آن تحولات و حالات برای اینکه استفاده از چنین سندی در حد کمال امکان پذیر باشد در اسناد مورد بحث ضرورت پیدا می کند.

آئین نامه ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ در ماده ۳۷ نماینده ثبت را مکلف نموده است که :

« در هر موقع واقعه ولادت ثبت مینماید اعلامیه برای درج مراتب در مستندات پدر یا مادر مولود در روی نمونه که ضمیمه آئین نامه است تنظیم و باداره آمار و ثبت احوال محل ارسال دارد. و اداره ثبت احوال محل مکلف است پس از وصول اعلامیه چنانچه شناسنامه پدر و مادر طفل یا یکی از آنها در قلمرو آن اداره صادر شده باشد واقعه تولد را از روی اعلامیه در مستندات پدر و مادر طفل ثبت و هرگاه شناسنامه پدر و مادری یکی از آنها از محل دیگری صادر شده باشد. اعلامیه واصله را عیناً به محل مربوطه بفرستد. »

متعاقب آن ماده ۳۸ آئین نامه مزبور می گوید :

دوائر آمار مکلفند در ظرف ۱۵ روز مفاد اعلامیه های واصله را در مستندات مربوطه ثبت نمایند .

اگرچه این قاعده مأخوذ از مقررات قوانین ثبت احوال نیست و ترتیبی است که در آئین نامه آن پیش بینی گشته و مورد عمل واقع می شود. و تأثیر آن اختصاص به احوال صاحبان اسنادی دارد که دارای چنین تحولاتی در احوال خود داشته باشند.

معهدا در تکمیل و برای استفاده از حداکثر امکان از احوال صاحب سند فوق العاده مؤثر بوده و در موارد ازدواج اعم از دائم و منقطع و طلاق و بذل مدت و رجوع بازدواج و فوت اعم از فرضی و طبیعی قاعده فوق جاری است و در ظهر اسناد سجلی مربوطه در مورد ولادت مطابق مقررات ماده ۳۷ و ۳۸ و در موارد ازدواج و طلاق و بذل مدت مطابق ماده ۶۹ و در مواقع فوت بر حسب مواد ۵۶ و ۶۰ آئین نامه ثبت احوال اعلامیه وقایع مزبور بداره تنظیم کننده و دارنده سند سجلی فرستاده می شود. بشرح پائین :

الف - یکی از وقایع چهار گانه ولادت - ازدواج - طلاق - یافوت برای دارنده سند سجلی واقع بشود.

ب - وقایع مزبور در یکی از دفاتر ثبت ولادت یا فوت و یا دفاتر ازدواج و طلاق به ثبت رسیده باشد.

ج - مأمور ثبت وقایع مزبور اعلامیه مشتمل بر مشخصات دارنده وقایع مزبور مطابق نمونه که در آئین نامه پیش بینی شده تنظیم و بداره تنظیم کننده سند سجلی بفرستد.

د - مفاد اعلامیه های واصله در مدت ۱۵ روز در ظهر اسناد سجلی که برای دارندگان آنها وقایع مزبور رخ داده ثبت شود.

ولیکن باید توجه داشت که اجرای قاعده فوق (یعنی صدور اعلامیه و ثبت آن در ظهر اسناد سجلی) همیشه بروفق خواسته مقررات ثبت احوال نبوده و غالباً در عمل و گردش کار و ثبت تحولات ناشی از پاره عوامل اداری و نقص سازمانی ثبت احوال و احیاناً اشتغال به وظایف اساسی تری است مواجه با اشکالات و تأخیراتی است که نتیجه حاصله خالی از نواقصی نیست. و باید دارنده سند در حین مراجعه به ثبت احوال تنظیم کننده سند و تقاضای انجام بعضی از امور سجلی تکمیل و اصلاح اسناد سجلی خود را باستناد مدارک و اسنادی که دارد و یا بسوابق آنها آشنا می باشد بخواهد و انجام چنین تقاضائی از نظر قانون ثبت احوال تابع هیچ گونه تشریفات قابل توجهی نیست.

بلکه ارائه مدارک و اسناد و یا هدایت مأمور ثبت تحولات به محل آن و حصول اطمینان از صحت آنها می تواند منظور صاحبان اسناد سجلی را برای اصلاح و تکمیل سندشان تأمین نماید.

با خاتمه مورد تقسیم از موارد تغییر مطالب اسناد سجلی و مرجع قانونی آن امیدوار است آنچه مورد بحث و توضیح و تشریح قرار گرفت مورد توجه و استفاده علاقمندان این امر واقع گردد.